

تردستی و شگردِ بیش‌بها ساختن نسخه^۱

ایرج افشار

فاضل نسخه‌یاب و فهرست‌نگار، آقای احسان‌الله شکراللهی نسخه‌خطی دیوان کمال‌الدین اصفهانی متعلق به کتابخانه مجلس^۲ را که در چهارصد و بیست ورق و به خط نستعلیق خوش است با رقم «اقل العباد ابن میرزا علی الکاتب محمد صالح خاتون‌آبادی» و تاریخ «سنه ۱۰۲۷» که از حیث تجلید و جدول‌بندی و سرلوح نسخه‌ای بی‌شبهه چشم‌گیر و آذینی است در شماره پیش «پیام بهارستان» توصیف فرموده و یادداشت‌های چهارده‌گانه‌ای را که به خطوط متنوع در آن به قصد نمودن اهمیت و بیش‌بهای نسخه ایجاد کرده‌اند همه نقل کرد و احتمال داده‌اند مالک نسخه به نیت آن که نسخه‌اش را به «اعلی‌القیم» بفروشد به مقومین و مطلعین نسخه‌شناس وقت داده بوده است که نظرات خود را بر آن بنویسند.

ایشان در یادداشت مفید خود نوشته‌اند «این یادداشتها هیچ‌یک تاریخ ندارد اما حداقل تعدادی از آنها بعد از فوت خاتون‌آبادی نگاشته شده و به نظر می‌رسد که مربوط به اواخر صفویه و اوایل قاجار باشد». البته همه آنها سال‌ها پس از خاتون‌آبادی نوشته شده است.

اما، این بی‌پروانویس عرض می‌کند که من آن را از سنخ نسخه‌هایی در شمار می‌آورم که به قول حاج حسین آقای ملک از «عملیات» صدرالافاضل است. صدرالافاضل در نوشتن خطوط مختلف زبردستی داشت و فرزندش مجدالدین هم چند خط را ماهرانه می‌نوشت و هر دو بر نسخه‌های قدیمی یادداشت‌هایی برای کهنه‌نمائی و «اهلیت» نسخه می‌نوشته‌اند. از جمله بر عده‌ای از نسخه‌های مجید موقر که دانشگاه

۱. این نوشته مکتوب است نه مقاله و بنده نظر احتمالی و چشم‌اندازی به عکس نسخه را نوشتم.

۲. این نسخه به شماره ۱۳۱۰۱ در آن کتابخانه مضبوط است.

۳. آن را بر پشت نسخه‌ای نوشته است که عکس آن صفحه در جایی چاپ شده است، و اینک برای من مشکل است که نام آن نسخه را بنویسم.

خریده است خطوط وارده آن‌ها وجود دارد. مجدالدین وجیزه‌ای هم درباره خطوط به چاپ رسانیده است. با ملاحظه جنم و قواره چهارده یادداشت (ظاهراً جز یکی که به خط نستعلیق خوش و تذهیب شده در دو صفحه و بی‌رقم است) هر سیزده نوشته را به خط یک شخص می‌دانم که با قلم‌های مختلف و خطوط چنگانه و به شیوه‌های راسته‌نویسی یا چلیپانما همه را به نیت بزرگ‌نمایی نسخه و به قصد گران‌فروشی آن نوشته و به هریک حالتی دلپذیر داده و مطلب هر یک را به بیانی «تو دل برو» قلمی کرده است. و جناتِ خطوط گویای هم‌زمانی آن‌هاست، گویا در چند روز یا چند ماهی نوشته شده است. اما اینکه در دو تا از یادداشت‌ها دو نام عبدالغفار بن مسعود و در دیگری محمدالمدعو بالحسین‌الربانی دیده می‌شود، امیدوارم روزی چیزی از خطوط این دو شخص دستیاب شود تا مشخص شود که تصویری بوده‌اند و بنده از سهو خود عذر بخوادم.

ضمن خواندن اصل یادداشت‌ها چند مورد ناخوانده را که یادداشت کرده‌ام درین‌جا می‌آورم:
یادداشت دوم: کلمات سائیده شده ظاهراً به خط سیاق **تعداد چهارصد و بیست ورق است**.
یادداشت ششم: به مرسوم خط مشق‌نویسی کلمه‌های «چه» و «چند» دوبار نوشته شده است. و «در پی» می‌باید «درین» باشد.

یادداشت هشتم: روشنائی دهد چشم [را] و صید می‌کند ...
یادداشت نهم (ص ۸۸۹): برای میرعماد دو دعای «**علیه الرحمه**»، «**رحمة الله علیه**» را پشت سر هم نوشته‌اند.
یادداشت دهم: شاید «روان بگذر» درست باشد به ملاحظه روان‌نویسی.
یادداشت یازدهم: امیر خطه خط، استاد در هر نمط...
یادداشت دوازدهم: **الحمد لله دویست و پنجاه اشرفی نقد آخر بیع صحیح شرعی شد.**
اللهم وفقنا لمرضاتک

یادداشت سیزدهم: بعد از محسن‌المعانی: **بتزیین المبانی**.
یادداشت چهاردهم: ... آنی از رحمت اوست خط استاد خط ... است در همدان خلدنشان به سرکار ...
«به کمترین غلام»

از دوازده یادداشت بی‌سند و امضا که بگذریم این یادداشت (ص ۸۹۶) که از آن برمی‌آید نسخه زمانی به دویست و پنجاه اشرفی نقد به بیع صحیح از کسی به کسی منتقل شده است ذکر نام مالک (اگر نوشته خط مالکی یا کاتبی غیر کاتب نسخه باشد) نیامده است. ورنه آن را هم باید از سنخ دیگر یادداشت‌ها دانست. این نکته را هم در مورد مهر گرد بزرگ خوش‌طرح که تاریخ ۱۰۱۲ در سجع آن مشخص است بنویسم که طبعاً نمی‌تواند ارتباطی با یادداشت آن صفحه که خطی قاجاری است داشته باشد، و خدا کند بعدها مهر الحاق نشده باشد. اگر صاحب مهر قبل از ۱۰۲۷ (تاریخ کتابت نسخه) دنیای فانی را وداع کرده بوده باشد، ناگزیر خط‌نویس ماهر، مهری را که با تاریخ ۱۰۲۷ تقارن زمانی داشته است درین ورقه زده تا بگوید روزی صاحب مهر مورخ ۱۰۱۲ مالک نسخه بوده است.

عرض شود که این چنین کتاب و کجبان خط که سطرش قطعه تمام
 و سروشش مربع کامل است از مرقومات سحر طراز و از خطهای
 خوب و ممتاز و بی مثل مانند یادش و خط خط مرحوم میرزا صالح
 و اینقدر خوب نوشته که بیرون از حوصله تعریف و توصیف است
 اگر رقم نمی داشت جمیع خوشنویسان حکم میکردند که از خطهای
 خوب میرزا صالح است خود کتاب هزار زبان بیان این مطلب میکنند
 و میگویند آن آثارنا بدل علی سنا فافظروا بعدنا الی الا آثار بعد از
 دو سال از فوت مرحوم میرزا صالح گذشته این کتاب نوشته شده
 در هزار و بیست و پنج میرزا صالح مرحوم شده و تاریخ این کتاب
 بیست و هفت است و بعد از میرزا صالح از شاگردهای آن بزرگوار
 شیخ نقر در خط ترقی کردند و در میان شیخ نقر از همه استادتر که
 خود آنها به استادی او اقرار و اعتراف و تجمید داشتند
 همین میرزا صالح بود چرا که آنها هر کدام دارای کلمه تبار خط
 بودند مثلاً عبدالرشید الدیلمی در قطعه نویسی و رباعی مسلط بود
 و عبدالجبار قزوینی در کاتب قدرت داشت و علی رضا میرزا
 در کتبه و ثلث و رقاع همه بود و نورالدین لاجبی که بنور مشهور است

